

بیداری اسلامی در مصر و تأثیرپذیری آن از انقلاب اسلامی ایران

حسین اسماعیلی^۱

چکیده

در میان کشورهای اسلامی، مصر از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است به دلایل مختلف از جمله، وجود دانشگاه الازهر، حرکت اخوان المسلمین، مصلحان بزرگ، دین اسلام، تأثیرپذیری از انقلاب اسلامی ایران در ماهیت اسلامی انقلاب مصر با توجه به پیشینه بلندی که در اسلام‌گرایی دارد نمی‌توان تشکیک کرد.

مصر پیش‌تاز حرکت‌های اسلام‌گرایانه در جهان اسلام است و تبلور آن اخوان المسلمین است. به همین سبب مقابله با جنبش اخوان المسلمین و مبارزه با آن و کنترل اسلام‌گرایی در مصر یکی از سیاست‌های غرب و امریکا در بیداری اسلامی است، در این پژوهش به تأثیر انقلاب اسلامی ایران در مصر بر بیداری اسلامی مصر، و شخصیت‌های تأثیرگذار بر بیداری اسلامی در آن کشور و خواسته‌های مردم مصر در بیداری اسلامی پرداخته شده این پژوهش تحلیلی و کتابخانه‌ای است.

واژگان کلیدی

بیداری اسلامی، جنبش مردم مصر، اسلام‌گرائی، اخوان المسلمین.

مقدمه

کشور مصر در شمال قاره آفریقا و در کنار دریای مدیترانه و سرخ قرار دارد. وسعت آن حدود یک

hosain_esmaili@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۸

۱ استادیار الهیات، گروه فقه دانشگاه پیام نور قم

تاریخ ارسال: ۱۳۹۷/۵/۲۲

میلیون کیلومتر مربع می‌باشد که از این نظر بیست و هشتمین کشور جهان محسوب می‌گردد. دین رسمی کشور مصر اسلام می‌باشد و اکثریت مردم پیرو آن می‌باشند. اکثریت قریب به اتفاق مردم مصر شافعی نقل قول است هستند که نزدیک‌ترین مذهب اهل سنت به شیعه اثنی عشری است و همین باعث شده تا مردم مصر از یک پارچگی خوبی برخوردار باشند. (محمدی، ۱۳۸۵: ۲۷) نام کشور مصر جمهوری عربی مصر در ۲۸ فوریه ۱۹۲۲ استقلال پیدا کرد. زبان مردم آن عربی جمعیت آن حدود ۷۶ میلیون تا سال ۲۰۰۴ پایتخت آن قاهره می‌باشد. (فلاح زاده، ۱۳۸۳: ۱۳)

در میان کشورهای اسلامی، مصر از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است؛ زیرا یکی از خاستگاه‌های مهم نظریه‌پردازی در بیداری اسلامی و اسلام‌گرایی شمرده می‌شود. دانشگاه الازهر، حرکت جهانی اخوان المسلمین و شخصیت‌های بزرگی همچون سید جمال الدین اسدآبادی، شیخ محمد عبده، حسن البنا و سید قطب، مصر را به کانونی مهم در این زمینه تبدیل کرده‌اند. علیرغم اینکه مصر در حوزه نظریه‌پردازی در جهان اسلام پیشرو بوده است، اما در حوزه عمل، موفق به تشکیل حکومت اسلامی نشده است.

از این رو علاوه بر بررسی جنبش اسلام‌گرایان مصر، لازم است نسبت به جریان بیداری اسلامی در این کشور به عنوان یکی از پیشگامان این فرایند، بیشتر دقت شود.

پژوهش حاضر در پی بررسی پیشینه نظریه بیداری اسلامی در مصر می‌باشد، این پژوهش به اثبات رسانده است که بیداری اسلامی مصر از انقلاب اسلامی ایران تأثیر پذیرفته است. سؤال: بیداری اسلامی در مصر چگونه اتفاق افتاد؟ این تحقیق علت‌های بیداری اسلامی و نقش انقلاب اسلامی ایران را در مصر مورد ارزیابی قرار داده، و در پی اثبات این فرضیه است که بن‌مایه جنبش اسلامی مصر اسلام و تأثیر پذیری آن از انقلاب اسلامی ایران بوده است.

الف) اسلام در مصر

پیش از آنکه مسلمانان در سال ۲۰ هجری مصر را فتح کنند، مسیحیت دین غالب مردم این سرزمین بود که مسلمانان به آن‌ها قبطیان می‌گفتند. (طبری ۱۳۶۲، ۲: ۵۱۲) مصر تحت سلطه دولت بیزانس بود. فشارهای بیزانس و ظلم و تحقیری که توسط رومیان نسبت به مصریان روا داشته می‌شد. سبب شد که مسلمانان به راحتی و با لشکری کم، به فرماندهی عمرو بن عاص بتوانند این سرزمین را فتح کنند. (علیزاده، موسوی، ۱۳۹۰: ۱۴۸). به ویژه آنکه خبر خوش رفتاری مسلمانان نسبت به مردم شام و فلسطین نیز به گوش مردم مصر رسیده بود. پس از آن، مردم تمایل بسیاری به اسلام نشان دادند

و آن را با جان و دل پذیرفتند. در عصر خلفا، افراد مختلفی برای حکومت به مصر رفتند. امویان، عباسیان، طولونیان (۲۵۴ - ۲۹۲ هـ.ق)، اخشیدیان (۳۲۴ - ۳۵۷ هـ.ق).

سلسله‌های دیگری بودند که بر مصر حکومت کردند. در سال ۳۵۸ هـ.ق فاطمیان که شیعه مذهب بودند، مصر را بدون جنگ و خونریزی فتح کردند و در همین سال، ساخت شهر قاهره به عنوان پایتخت مصر آغاز شد. تا آن زمان فسطاط پایتخت مصر بود. سال بعد نیز ساخت و ساز مسجد الازهر - منسوب به فاطمه زهرا علیها السلام - شروع شد و در سال ۳۶۱ هـ.ق برای اقامه نماز گشایش یافت. فاطمیان از سال ۳۵۸ تا ۵۶۷ هـ.ق، حدود دو قرن، بر مصر حکومت کردند. مصر در دوره فاطمیان در حوزه‌های مختلف پیشرفت‌های بسیاری کرد. پس از آن‌ها ایوبیان (۵۶۷ - ۶۴۸ هـ.ق)، و سپس سلسله ممالیک، (۶۴۸ - ۹۲۳ هـ.ق)، که به ظاهر مشروعیت خود را از عباسیان می‌گرفتند حکومت کردند تا اینکه در سال ۹۲۳ هـ.ق سلطان سلیم عثمانی مصر را فتح کرد و المتوکل علی‌الله، خلیفه عباسی را با کلیه آثار نبوی از قاهره به استانبول برد و به این ترتیب خلافت از خاندان عباسی به عثمانیان منتقل شد. (استانلی، ت، سجادی، ۱۳۷۰، ۱: ۱۳۷).

مصر مدتی زیر گام سربازان ناپلئون لرزید (۱۷۹۸ - ۱۸۰۱ م)، تا اینکه ناوگان نظامی بریتانیا و عثمانی آنان را عقب راندند. مصر نیز مانند بسیاری از کشورهای اسلامی، طعم تلخ استعمار بریتانیا را چشیده است. مصریان از سال ۱۸۸۲ میلادی شاهد حضور استعمار انگلستان در کشورشان بودند. در سال ۱۹۱۹ میلادی که مردم از استیلای انگلستان به ستوه آمده بودند، علیه انگلستان شوریدند که به شدت سرکوب شدند؛ اما عاقبت در سال ۱۹۲۳ میلادی توانستند به پیروزی دست یابند. «ملک فؤاد» و «ملک فاروق» پادشاهان مصر بودند. اما در سال ۱۹۵۲ میلادی، سلطنت به جمهوری تغییر یافت. «سرلشکر» نجیب» رئیس جمهور شد و در سال ۱۹۵۰ میلادی جمال عبدالناصر به قدرت رسید و تا هنگام مرگش در سال ۱۹۷۰ میلادی رئیس جمهور مصر بود. جنگ‌های اعراب و اسرائیل، به ویژه شکست در جنگ شش روزه، اعتبار جمال عبدالناصر را به عنوان رهبر عرب و کارآیی نظریه ناسیونالیسم عربی در هم شکست.

پس از ناصر، انور سادات به قدرت رسید. وی نه تنها خود، بلکه مردم مصر را در برابر مسلمان جهان سرافکننده کرد؛ زیرا وی نخستین حاکم یک کشور عرب بود که پیمان صلح را با دولت اسرائیل امضا کرد و این کشور را به رسمیت شناخت. این قرارداد به «کمپ دیوید» معروف شد. و جالب آنکه

^۱ - برای آشنایی با تاریخ مصر ر.ک: حسن ابراهیم حسن، تاریخ الاسلام سیاسی والدینی و التقافی و الاجتماعي، مکتبة النهضة المصرية، ۱۹۶۵، الازهر، مصر.

به همین سبب نیز در سال ۱۹۷۸ میلادی جایزه صلح نوبل را از آن خود کرد! این درحالی است که در عصر جمال عبدالناصر، مصر پیشتاز مبارزه با اسرائیل بود. چنین قراردادی، جهان اسلام را شگفت زده کرد و موج مخالفت‌ها با وی گسترده شد. انور سادات، در کنار صلح با اسرائیل، مبارزه‌ای فراگیر با گروه‌های اسلام‌گرا مانند اخوان المسلمین را نیز آغاز کرد و نهایتاً در ۱۹۸۱ میلادی توسط خالد اسلامبولی، که عضو گروه جماعت اسلامی مصر بود، ترور شد. حسنی مبارک پس از انور سادات، ریاست جمهوری مصر را به عهده گرفت. وی نیز راه انور سادات را ادامه داد. پیگیری روند سازش اعراب و اسرائیل و مبارزه با گروه‌های اسلام‌گرا و همچنین اخوان المسلمین مصر و دیکتاتوری شدید از ویژگی‌های حکومت ۳۰ ساله مبارک بود. مبارک در جنبش اسلام‌گرایان مصر در سال ۲۰۱۱ میلادی، از قدرت خلع شد.

ب) بیداری اسلامی در مصر

همان‌گونه که بیان شد، مصر از کانون‌های نظریه‌پردازی در عرصه بیداری اسلامی محسوب می‌شود هرچند در بیداری اسلامی مصر، افرادی همانند رشید رضا که زمینه‌های سلفی‌گری را در حرکت اسلامی مصر دامن زدند، دیده می‌شوند؛ اما واقعیت این است که جریان بیداری اسلامی در مصر، جریانی معتدل و پیشرو بوده است.

نقطه عطف بیداری اسلامی در این کشور، حرکت اخوان المسلمین مصر است که توسط «حسن البناء» در سال ۱۹۲۸ میلادی آغاز شد. وی در واکنش به دوری جهان اسلام از آموزه‌های اسلامی و رشد اندیشه غرب‌گرایی در میان مسلمانان، این حرکت را آغاز کرد. برگزاری جلسات و تأسیس مراکز تربیتی برای تربیت جوانان و گسترش آموزه‌های اسلامی از جمله اقدامات حسن البناء بود و توانست شعب‌های اخوان المسلمین را از چهار شعبه در سال ۱۹۲۹ میلادی به هزار شعبه در سال ۱۹۴۸ میلادی برساند.

مبنای فکری اخوان المسلمین بر سه اصل استوار بود:

اسلام، نظامی جامع و متکامل بالذات است و شامل همه ابعاد زندگی می‌شود؛

اسلام از دل دو منبع برآمده و بر آن‌ها مبتنی است: کتاب (قرآن) و سنت نبوی؛

اسلام قابل انطباق به همه زمان‌ها و مکان‌هاست. (بیومی، ۱۳۷۹م: ۹۰)

با نگاهی به اصول اندیشه اخوان آن را می‌توان در راستای مبانی بیداری اسلامی طبقه‌بندی کرد.

حسن البناء در سال‌های اول دعوتش، از سیاست پرهیز می‌کرد و به یارانش نیز توصیه می‌کرد وارد

سیاست نشوند، اما پس از درگیری‌های اعراب و اسرائیل و جنگ جهانی دوم، فعالیت‌های سیاسی وی نیز آغاز شد. (آقائی و صفوی، ۱۳۶۵: ۴۰) بعد از جنگ جهانی دوم در مقاله‌ای با عنوان «الاسلام، سیاست و حکم» اعلام کرد که مسلمانان نمی‌توانند از پرداختن به مسائل سیاسی و امور و شئون امت اسلامی غافل باشد. چنین رویکردی با توجه به قدرت روز افزون اخوان المسلمین سبب شد که این حرکت بزرگ‌ترین خطر برای پادشاهی مصر تشخیص داده شود. (دکميجان، ۱۳۶۶ت، احمدی: ۱۲۴ - ۱۲۵) و نهایتاً در سال ۱۹۴۹ میلادی به دست عوامل دولت، ترور شد.

حسن البناء مانند بسیاری از اسلام‌گرایان، معتقد بود به جای حرکت در مسیر فرهنگ و تمدن غرب، بهترین راه سعادت برای مسلمانان، بازگشت به فرهنگ و تمدن اسلام است. اما در دعوت خود، روش اصلاحی را برگزید؛ زیرا هرچند وی بزرگ‌ترین و قدرتمندترین گروه اسلام‌گرا در مصر را به وجود آورد، (دکميجان، ۱۳۶۶ت، احمدی: ۱۲۳) و همچنین دارای مواضع سیاسی بود، اما همواره اصلاحات را در دل حکومت جستجو می‌کرد و در مبارزاتش روش انقلابی نداشت. (عنایت، ۱۳۷۲، ت خرمشاهی: ۱۵۹)

حرکت اخوان المسلمین با سید قطب (۱۹۰۶ - ۱۹۶۶م) وارد مرحله جدیدی شد و رویکرد اصلاحی آن تبدیل به رویکرد انقلابی گردید. سید قطب با باز تعریفی از مفهوم جاهلیت که از سید ابوالاعلی مودودی، اندیشمند پاکستانی گرفته بود، نه تنها جوامع غربی، بلکه کشورهای اسلامی که دارای حاکم غیر اسلامی باشند را در حکم جوامع جاهلی شمرد. وی مدتی در امریکا به تحقیق مشغول بود.

هنگامی که از امریکا بازگشت، همواره از فساد، افسون‌گری و ویرانی تمدن غرب، سخن می‌گفت. سید قطب، وظیفه یک مسلمان در جامعه جاهلی را صرفاً جهاد می‌دانست و این اعتقاد زمینه‌های ماهیت انقلابی اندیشه قطب را فراهم می‌کرد. (سید قطب ۱۳۷۸، ت، محمودی: ۷) بسیاری کوشیده‌اند سید قطب را الهام بخش حرکت‌های تکفیری مانند القاعده، طالبان، سپاه صحابه، لشکر جهنگوی، حزب التحریر و ... قرار دهند؛ اما واقعیت این است که نه تنها سید قطب هرگز مفهوم جهاد را در نزاع با مسلمانان به کار نگرفت و سلاح خود را به سوی فرقه‌های دیگر اسلامی نشانه نرفت، بلکه هدف وی استعمارگرانی مانند امریکا و حکام دست‌نشانده کشورهای اسلامی بودند. این درحالی است که جریان‌های تکفیری، هر گروه مسلمانی را که با دیدگاه‌های آنان مخالف باشد تکفیر کرده و خون و مالش را مباح می‌دانند. بمب‌گذاری‌هایی که در عراق و پاکستان صورت می‌گیرد، ریشه در سلفی‌گری تکفیری دارد. (موسوی، ۱۳۹۰، ۱: ۸۰-۸۴)

اندیشه‌های سید قطب در تفسیری که وی در زندان آن را تألیف کرد با نام *فی ظلال القرآن* و کتاب *معالم فی الطريق* آمده است. سید قطب و تعدادی از همفکرانش در سال ۱۹۶۶ میلادی توسط جمال عبدالناصر اعدام شدند.

البته همان‌گونه که گفته شد، علی‌رغم پویایی بیداری اسلامی در مصر، هرگز این حرکت نتوانست در این کشور حکومت اسلامی تشکیل دهد و حتی در برهه‌ای از زمان در کنار حکومت ناسیونالیست جمال عبدالناصر قرار گرفت. با این حال، هرگز نباید تأثیر اندیشه‌های حسن البنا و سید قطب را بر جهان اسلام نادیده گرفت.

ج) تقریب میان مذاهب اسلامی در مصر

یکی از مهم‌ترین زمینه‌های تأثیرپذیری جریان بیداری اسلامی در مصر را باید در تلاش‌های مجاهدان عرصه تقریب جستجو کرد. اما در مصر سابقه تلاش‌های منادیان تقریب، زمینه مناسبی را برای نفوذ و گسترش اندیشه اسلامی فراهم کرد. به همین سبب پیش از بررسی تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر جریان بیداری اسلامی در مصر و همچنین جنبش معاصر مصر، آشنایی با تاریخ فعالیت‌های تقریبی در مصر ضرورت دارد.

محورهای تأثیرپذیری از انقلاب اسلامی

۱. اتحاد اسلامی

شکی نیست که یکی از سیاست‌های مهم استعمار نو در کشورهای اسلامی، ایجاد تفرقه و اختلاف میان مذاهب اسلامی است و همین عامل، بزرگ‌ترین ضربه‌ها را به جهان اسلام وارد کرده است. متأسفانه برخی از گروه‌های فرقه‌گرا همانند سلفیون افراطی، ابزار این سیاست ننگین دشمنان اسلام شده و شمشیر تفرقه را بر پیکر امت اسلام فرود آورده‌اند. (موسوی، ۱، ۱۳۹۰: ۷۹-۸۰). اما این گروه افراطی جایگاه چندانی در مصر ندارد مردم مصر معتدل و دوستانه، بیت‌اهل پیامبر هستند. چنانچه مردم ایران با وحدت همه مذاهب و گروه‌ها بردشمن پیروز شدند این الگوی خوبی می‌تواند باشد برای مردم مصر.

۲. اسلامی بودن ماهیت انقلاب ایران

اولین واکنش نسبت به انقلاب اسلامی ایران توسط جماعت اخوان المسلمین صورت گرفت. این

گروه در اعلامیه‌ای که در سال ۱۹۷۹ آن را منتشر نمود، ضمن ستایش از انقلاب اسلامی ایران، آنرا الگویی برای مبارزات اسلامی خود علیه دولت وابسته و ضد اسلامی مصر بکار ببندند. (جمعی از نویسندگان ۱۳۸۸: ۳۷۳)

در تحلیل موضع اخوان المسلمین نسبت به انقلاب اسلامی ایران، باید به این نکته توجه داشته باشیم که این جماعت، همواره موضعی معتدل در برابر مذهب شیعه داشته و بر افروختن آتش اختلافات مذهبی میان شیعه و سنی را به شدت رد و محکوم کرده است. این جماعت اگرچه به وجود اختلاف آشکار میان دو مذهب اذعان دارد، همواره اعلام کرده است که این اختلاف‌ها ماهیتی ثانوی دارند. اخوان المسلمین در مقابل کسانی که آنان را به تقلید از امام خمینی متهم می‌کردند، این اتهام را رد و اعلام کرد که هم‌چنان به برنامه‌های امام حسن البنا وفادار است. اعلام کرد دلیل از حمایت از انقلاب ایران این بوده است که رهبران جدید ایران اعلام کرده‌اند، انقلابشان اسلامی و هدف آن -ها پیاده کردن شریعت اسلام است. (جمعی از نویسندگان ۱۳۸۸: ۳۷۵) اخوان المسلمین در سال ۱۹۷۹ کتابی تحت عنوان «*خمینی‌الترناتیر اسلامی*» منتشر ساخت که توسط فتحی عبدالعزیز نوشته شده بود. در این کتاب شیوه امام خمینی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ و انقلاب اسلامی به عنوان راه حل شده است.

فتحی عبدالعزیز در این کتاب اظهار می‌دارد که:

«انقلاب [امام] خمینی، انقلاب یک فرقه اسلامی علیه فرقه‌ای دیگر نیست، بلکه مرکز ثقل ارزش‌ها و اعتقادات مشترکی است که همه مسلمانان را به وحدت می‌خواند، همان چیزی که انقلاب ایران برای آن به وقوع پیوست». (اسپوزیتو، ۱۳۸۲: ۱۵۹)

۳. خودباوری دینی در انقلاب اسلامی ایران

بطور کلی تأثیر انقلاب اسلامی ایران در شکل‌گیری نهضت بازگشت به خویشتن اسلامی در مصر و احیای فکر دینی را نمی‌توان انکار نمود. نهضتی که علی‌رغم وجود حکومت پلیسی در مصر و فشارهای مختلف از درون و بیرون مصر تا کنون در قالب جنبش‌های دانشجویی و تشکل‌های دینی به کار خود ادامه داده است.

ریشه ارتباط بیداری اسلامی در مصر را نباید به دوران انقلاب اسلامی ایران محدود کرد؛ زیرا جریان‌های فکری ضد نظام استبدادی قبل از پیروزی انقلاب نیز در جهت‌گیری بیداری اسلامی مصر، تأثیر داشته است. به عنوان نمونه، ایستادگی دولت مصدق به همراه آیت الله کاشانی در برابر مطامع امریکا سبب شد که نگاه جریان ناصریسم به ایران جلب شود و حتی خیابانی در قاهره به نام

«مصدق» نامگذاری شد. هرچند نگاه به نهضت ملی شدن نفت و الهام‌گیری از آن، بیشتر بر اساس اندیشه ناسیونالیستی و ضد غرب‌گرایی ناصر، تفسیر می‌شود، اما وجود عامل رهبری دینی در کنار مصدق در آغاز این دعوت، نشانگر وجود رگه‌هایی از اندیشه‌های دینی است.

اندیشه فدائیان اسلام و روش انقلابی آنان نیز برای اخوان المسلمین جذاب بود. به گفته «فتحی» یکن هنگامی که نواب به قاهره رفت، به شدت مورد استقبال آنان قرار گرفت. (فتحی: ۱۶۲ - ۱۶۳) نواب در اعتقاد خود در مبارزه با ظلم و ستم و استعمار ثابت قدم بود و با حاکمان دست‌نشانده مبارزه می‌کرد، به اتحاد و برادری مسلمانان اعتقاد داشت و از فرقه‌گرایی پرهیز می‌کرد. (ضناوی: ۱۵۱) حسن‌البناء نیز خود، از منادیان تقریب بود.

مجله المسلمون که از سوی اخوان المسلمین در قاهره و سپس در دمشق و ژنو منتشر می‌شد، در یکی از شماره‌های خود با عنوان «با نواب صفوی» می‌نویسد:

شهید عزیز - زنده یاد - نواب صفوی، روابط تنگاتنگی با المسلمون داشت و در ژانویه ۱۹۵۴ م. به عنوان مهمان، در دفتر مجله - در قاهره - اقامت گزید. (المسلمون، پنجم، ش اول: ۷۳)

این مجله سپس دیدگاه نواب صفوی را درباره بازداشت و سرکوب اخوان چنین نقل می‌کند:

وقتی مردان اسلام در همه جا مورد سرکوب طاغوتیان واقع می‌شوند، مسلمانان از اختلافات مذهبی چشم پوشیده و شریک درد و اندوه برادران ستم دیده‌شان می‌شوند. بی‌تردید ما با مبارزه اسلامی مان می‌توانیم نقشه دشمنان را به منظور تفرقه اندازی میان مسلمانان خنثی کنیم. وجود مذاهب اسلامی ضرری ندارد و ما نمی‌توانیم آن را ملغی کنیم. آنچه باید برای توقف و منع آن بکوشیم، سوء استفاده از این وضع به سود غرض ورزان است. (المسلمون، پنجم، ش اول: ۷۶)

در پایان مقاله، به نقل از نواب صفوی چنین آمده است: در ادامه به نقل از ایشان بیان شده:

ما اطمینان داریم عاقبت کشته خواهیم شد، و این، اگر امروز نباشد فردا خواهد بود؛ ولی خون‌ها و فداکاری‌های ما اسلام را زنده خواهد کرد و آن را به خیزش و خواهد داشت. اسلام امروز به این خون‌ها و فداکاری‌ها نیاز دارد و بدون آن، هرگز به پا نخواهد خواست. (المسلمون، پنجم، ش اول: ۷۶)

در گذشته نیز علمای بزرگی از شیعه و اهل سنت بوده‌اند که منادی اتحاد بوده و برای وحدت

مسلمانان، تلاش بسیاری کرده‌اند. اما این تلاش بیش از هر جا در تعامل میان علمای شیعه در ایران و عراق و لبنان و علمای اهل سنت در الازهر مصر تبلور دارد. به عبارت دیگر، شاید بتوان گفت، مهم‌ترین گام عملی در تقریب میان اهل سنت و شیعیان با تلاش علمای شیعه و متفکران اهل سنت در دانشگاه الازهر، برداشته شد.

اظهار تمایل مرجع عام شیعیان جهان، «آیت الله العظمی بروجردی» و استقبال چهره‌های بزرگ الازهر، سبب شد که در سال ۱۹۴۷ میلادی مرکزی به نام «دار التقرب بین المذاهب الاسلامیه» در قاهره تشکیل شود. هدف از تشکیل این مرکز، نهادینه کردن ارتباطات میان علمای اهل سنت و شیعه بود. پس از آن نامه‌ها و مراسلات بسیاری میان علمای شیعه و سنی توسط دبیر این سازمان، علامه محمد تقی قمی مبادله شد.

یکی از دستاوردهای مهم دارالتقرب شناساندن شیعه به سایر مذاهب اسلامی بود. به پیشنهاد آیت الله العظمی بروجردی، تفسیر شریف مجمع البیان به همت دار التقرب به چاپ رسید که «شیخ محمود شلتوت» - رئیس الازهر - مقدمه مهمی بر آن افزود. همچنین کتاب‌های بزرگ دیگری همچون *مختصر النافع و تذکره الفقهاء* علامه حلی، *وسائل الشیعه* مرحوم شیخ حرّ عاملی و کتاب *حدیث الثقلین* علامه محمد قوام الدین قمی به چاپ رسید که تحولی در تعامل میان علمای شیعه و سنی بود.

اما مهم‌ترین دستاورد دار التقرب که به همت علامه محمد تقی قمی پیگیری شد، فتوایی بود که توسط شیخ محمود شلتوت، مبنی بر جواز تقلید از مذهب امامیه اثنی عشری صادر شد. این فتوا که در هفدهم ربیع الاول سال ۱۳۷۸ هجری قمری همزمان با میلاد پیامبر گرامی اسلام ﷺ صادر شد، نقطه عطفی در تاریخ تعاملات شیعه و اهل سنت گردید.

شیخ شلتوت در بخشی از این فتوا می‌گوید:

مکتب جعفری معروف به مذهب امامی اثنی عشری مکتبی است که شرعاً پیروی از آن مانند پیروی از مکتب‌های اهل سنت، جایز است. (بی آزار: ۳۱۰ - ۳۱۱)

چنین دیدگاهی به خوبی نزدیکی اندیشه بیداری در ایران و مصر را هویدا می‌کند و بی‌شک چنین افق‌های نزدیکی در تأثیرپذیری بیداری اسلامی مصر و انقلاب معاصر آن مؤثر بوده است. با توجه به این زمینه‌های فکری و همچنین فعالیت‌های تقریبی در مصر، شاهد تأثیر انقلاب اسلامی ایران را تجلی نیروی اسلام می‌دانند، نه یک پدیده صرفاً شیعی. چنانچه فتحی عبدالعزیز می‌گوید: «انقلاب امام خمینی، انقلاب یک فرقه اسلامی علیه فرقه‌ای دیگر نیست، بلکه مرکز ثقل ارزش -

ها و اعتقادات مشترکی است که همه مسلمانان را به وحدت فرا می‌خواند. همان چیزی که انقلاب ایران برای آن به وقوع پیوست.»

به اعتقاد اسلام‌گرایان مصر «انقلاب اسلامی ایران نظریه‌های سیاسی و نیز نیروهای سیاسی معاصر را واژگونه کرد و نمونه‌ای بی‌همتا، قدرتمند و حیات‌بخش از انقلاب اسلامی ارائه داد.» (عبدالرحیم الانبار، ۱۹۷۹: ۱۰۱ - ۱۰۲). جالب آنکه در نگاه آنان ایران بخشی از خط دفاعی اسلام در شرق است که اگر شکست می‌خورد «یکی از استحکامات اصلی سرزمین‌های مقدس اسلامی سقوط می‌کرد» (الاعتصام، فوریه ۱۹۷۹م، س ۷۰ ش ۴). همین نگرانی موجب شده بود که نویسندگان اسلام‌گرا از جنگ عراق و جهان استکبار علیه ایران اظهار نگرانی می‌کردند. آن‌ها از این وحشت داشتند که صاحبان منافع خارجی می‌کوشند که نور امیدی را که انقلاب ایران در دل مسلمانان جهان افکنده بود، خاموش کنند. (اخوی، ۱۶۲). حتی «تلمسانی» - رهبر اخوان المسلمین - عراق را مسئول آغاز جنگ معرفی کرد (الدعوه، اکتبر ۱۹۸۰، ذی الحجه ۱۴۰۰: ۴ - ۶). به عقیده وی حاکمان عراق علیه اسلام جنگ به راه انداخته.

نکته دیگر آنکه هرچند برخی از متعصبین با تکیه بر اعتقادات شیعه و تأکید بر آن‌ها می‌کوشیدند، آتش نفاق را میان مسلمانان شعله‌ور کنند، اما اسلام‌گرایان مصر با این افراد به شدت برخورد می‌کردند. به عنوان نمونه، هنگامی که در مجله الازهر ارگان رسمی دانشگاه الازهر مقاله‌ای در ردّ مهدویت نوشته شد، نشریه المختار الاسلامی ارگان اخوان المسلمین نویسنده مقاله را به دلیل نداشتن هیچ گونه دانشی درباره این موضوع به شدت مورد حمله قرار داد. (اخوی، ۱۶۲) در مجموع می‌توان گفت انقلاب ایران، برای اسلام‌گرایان مصر، آرمانی بود که سال‌ها در پی تحقیق آن بودند و به همین سبب نیز روح تازه‌ای در کالبد آنان دمید.

با این حال، برخی عوامل نیز سبب شد، علیرغم تأثیرپذیری بیداری اسلامی مصر از انقلاب اسلامی، آثار کامل آن، که جنبش معاصر مصر است، برای چند دهه به تأخیر افتد.

جنگ ایران و عراق و تبلیغات رسانه‌ای شدید برای باز تعریف این جنگ به عنوان جنگی عربی - عجمی که ریشه‌های ناسیونالیستی داشت، دشمنی‌ها و نسبت‌های ناروای انور سادات و پس از آن، حسنی مبارک، فضای خفقان و سرکوب شدید جریان‌های اسلام‌گرا همه در تأخیر رسیدن بیداری اسلامی مصر به مرحله انقلاب مؤثر بودند، اما به هر حال، همه منتظر آغاز این حرکت بودند. چنانچه حضرت آیت الله خامنه‌ای با عنایت به سابقه بلند مصر در این عرصه به درستی می‌فرماید:

حقیقتی را بگویم: پس از پیروزی انقلاب اسلامی و تشکیل نظام اسلامی در

ایران که زلزله عظیمی را در حکومت‌های دنیا طلبان شرق و غرب پدید آورد و ملت‌های مسلمان را در جوش و خروشی بی‌سابقه انداخت، ما غالباً انتظار داشتیم که مصر پیش از همه جا به پا خیزد. سابقه جهاد و روشنفکری و تربیت شخصیت‌های بزرگ مجاهد و متفکر در مصر، این توقع را در دل ما بر می‌انگیخت؛ اما از مصر صدای واضحی شنیده نمی‌شد. من در دل، خطاب به ملت مصر این شعر ابوفراس را زمزمه می‌کردم:

أَرَاكَ عَصِيًّا الدَّمْعُ شِيمَتُكَ الصَّبْرُ أَمَا لِلْهَوَى نَهْيٌ عَلَيْكَ وَ لَا أَمْرٌ

وقتی ملت مصر را در میدان تحریر و میادین دیگر شهرهای مصر دیدم، پاسخ خود را شنیدم. ملت مصر با همان زبان دل به من می‌گفت:

بَلَى أَنَا مُشْتَاقٌ وَ عِنْدِي لَوْعَةٌ وَلَكِنْ مِثْلِي لَا يُذَاعُ لَهُ سِرٌّ

این سرّ مقدس، یعنی انگیزه و عزم قیام، به تدریج در ذهنیت ملت مصر قوام یافت و شکل گرفت و در لحظه مناسب تاریخی، عریان در صحنه‌ای پرشکوه به میدان آمد. (همایش بیداری اسلامی ۹۰/۹/۱۶، پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری، KHAMENI.ir).

سیاست اساسی نظام جمهوری اسلامی نیز در عرصه جهان اسلام، ایجاد وحدت و همدلی، است. حضرت آیت الله خامنه‌ای که یکی از داعیان مهم تقریب در عصر حاضرند، با نظریه‌پردازی در این حوزه، حج را به عنوان یکی از نمادهای تقریب، معرفی می‌کنند و می‌فرمایند:

ما معتقدیم که اسلام، وحدت مسلمین و اتحاد نیروهای مؤمن به خدا و موحد را یکی از فرایض قرار داده است. ما معتقدیم که یکی از بزرگترین اهداف حج خانه خدا این است که مسلمانان را به هم نزدیک کند. اینکه خدا فرموده است: «وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَا تَوَكَّرَ رَجَالاً وَ عَلِيَّ كُلِّ ضَامِرٍ يَا تَيْنَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ» (حج، ۲۷) همه مردم مسلمان عالم را در روزهای معین و در عرصه‌های محدودی مانند عرفات و مشعر و منا و مسجد الحرام جمع می‌کند. (پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری، KHAMENI.ir، ۱۳۶۹/۳/۱۶).

د) ماهیت جنبش اسلام‌گرایان معاصر مصر

اگر غربی‌ها بتوانند در ماهیت انقلاب تونس، تشکیک کنند، اما در ماهیت جنبش اسلامی مصر با توجه به پیشینه بلندی که در اسلام‌گرایی دارد، نمی‌توانند تشکیک کنند. با این حال از همان ۲۵

ژانویه ۲۰۱۱ میلادی که جنبش مصر کلید خورد، تمامی رسانه‌های غربی عنوان خبرگزاری‌ها حذف شد جنبش مصر را جنبشی علیه نظام طبقاتی، فقر، ستم، دیکتاتوری و رسیدن به دمکراسی خواندند.

شکی نیست برای غرب به ویژه امریکا مصر نسبت به تونس به علل زیر بسیار مهم‌تر است:

همسایگی مصر با اسرائیل و نقش استراتژیک مصر در تأمین امنیت اسرائیل.

جایگاه مصر با توجه به پیشینه اسلام‌گرایی و رهبری جهان غرب.

موقعیت ویژه سیاسی، اقتصادی و منطقه‌ای مصر در شمال افریقا.

اگر نگاهی به دولت انور سادات و حسنی مبارک بیافکنیم، به سادگی مشاهده می‌کنیم که شاید هیچ دولتی نمی‌توانست آن گونه که این دو شخصیت در راستای سیاست‌های غرب، به ویژه امریکا در محورهای فوق حرکت کرده‌اند، حرکت کند.

نخست آنکه تا قبل از ریاست جمهوری انور سادات، جمال عبدالناصر با اسرائیل سرچنگ داشت. اما هنگامی که انور سادات به قدرت رسید، در کمال ناباوری مسلمانان جهان، پیمان صلح را با اسرائیل منعقد کرد و در طول سال‌های حکومتش همواره در خدمت غرب و اهداف غرب بود. به همین سبب، هنگامی که وی ترور شد، بیشتر شخصیت‌هایی که در مراسم تشییع جنازه وی شرکت کردند، چهره‌های غربی بودند. پس از وی نیز حسنی مبارک راه انور سادات را ادامه داد. به ویژه در بحران اخیر غزه، در جنگ ۳۳ روزه اسرائیل، ایجاد دیوار حائل میان مصر و فلسطین و جلوگیری از رسیدن آذوقه و دارو به مردم بی‌پناه غزه، نشان از اوج وابستگی وی را به غرب و اسرائیل داشت.

در مورد محور دوم، همان گونه که گفته شد، مصر پیشتاز حرکت‌های اسلام‌گرایانه در جهان اسلام است، و تبلور آن اخوان المسلمین است، شاخه‌های بسیاری در گوشه و کنار دنیا دارد. به همین سبب سرکوب و کنترل ریشه‌های اسلام‌گرایی در مصر، یکی از سیاست‌های غرب و امریکا در مبارزه با بیداری اسلامی است. این مهم که در عصر جمال عبدالناصر آغاز شده بود، در دوران انور سادات و پس از آن، حسنی مبارک با شدت بیشتری دنبال شد.

از نظر موقعیت جغرافیایی، سیاسی و امنیتی، وجود کانال سوئز با ۱۶۰ کیلومتر، شاهراه ارتباطی سه قاره آسیا، اروپا و افریقا است و این ویژگی به مصر، نقشی اساسی می‌بخشد. همچنین سواحل طولانی این کشور با دو دریای مدیترانه و سرخ نیز به آن اهمیت ویژه‌ای داده است. در این عرصه نیز دولت‌های گذشته در طول دهه‌های گذشته حافظ منافع و حاکمیت غرب و امریکا بوده‌اند.

با توجه به آنچه بیان شد، در طول سال‌های گذشته روابط نزدیکی میان مصر و دولت‌های غربی وجود داشته است و هرگز سخن از فقر، ستم، شکاف طبقاتی و دیکتاتوری نبوده است و همواره

رهبران آن رهبران بزرگ مسالمت جوی جهان اسلام معرفی شده‌اند. اکونومیست یک سال قبل از سرنگونی مبارک، از نگرانی غرب نسبت به کهنوت سن مبارک سخن می‌گوید و اینکه غرب نگران است پس از مبارک چه کسی به قدرت خواهد رسید؟ دولت حسنی مبارک به سبب خوش خدمتی- های خود، پس از اسرائیل، دومین کشور دریافت کمک‌های نقدی و تسلیحاتی از امریکا بوده که سالانه دو میلیارد دلار کمک بلاعوض از امریکا می‌گرفته است.

به همین سبب، سرنگونی مبارک برای غرب، کابوسی بزرگ بود. پرسشی که در اینجا مطرح است اینکه چرا دیدگاه غرب قبل از سقوط دیکتاتور مصر با بعد از آن، این چنین دگرگون شده است؟، در دل تحولات مصر چندین موضع‌گیری از امریکا و غرب قابل مشاهده است. اول حمایت شدید امریکا و غرب از مبارک، هنگامی که هنوز آتش خشم مردم بالا نگرفته است. دوم پیشنهاد گفتگو با جنبش اسلام‌گرایان، هنگامی که شعله‌های جنبش بالا گرفته بود و امکان خاموش کردن آن وجود نداشت.

سوم هدایت جنبش، به نفع خود هنگامی که جنبش به پیروزی رسیده است و دیگر امکان بازگشت مبارک وجود نداشت.

نباید فراموش کرد که هدف امریکا از هدایت انقلاب نیل به سیاست‌هایش در همان سه محور اساسی است. حفظ امنیت اسرائیل، سرکوب یا کنترل اسلام‌گرایی و بیداری اسلامی و تسلط بر مصر با توجه به جایگاه ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک این کشور.

در هر سه محور، امریکا با چالش‌های جدی روبروست، تسلط بر فضای انقلابی و انحراف آن از اهداف اصیل اسلامی آن در رأس سیاست‌های امریکا قرار گرفته است.

از طرف دیگر، شواهد بسیاری در دست است که ماهیت جنبش مصر را کاملاً مشخص می‌کند. اول اسرائیل ستیزی که در اشغال سفارت اسرائیل تیلور یافت. اگر حمله به سفارت امریکا را نیز ضمیمه این عملیات کنیم، به خوبی ماهیت ضد امریکایی - اسرائیلی این جنبش روشن می‌شود.

دوم شعائر مذهبی در میدان التحریر مصر، نشانگر هویت جنبش است. نمازهای جمعه پرشور، آن دوران، نمازهای جماعت میدان التحریر، شعارهای اسلامی و مطالبات دینی مردم، همه نشانگر ماهیت اسلامی این حرکت، و تأثیرپذیری آن از انقلاب اسلامی ایران است. همچنین در یک نظرسنجی، ۹۰ درصد مردم مصر معتقدند که اجرای شریعت اسلامی در کشورشان موجب ارتقای حقوق زنان، حقوق بشر، عدالت اقتصادی و عدالت قضایی خواهد شد. (مؤسسه گالوپ خبرگزاری ابنا). آنچه در این برهه، برای جنبش مصر خطرناک است، تصدی ان به دست نامحرمان است. حضور

فعال جریان اسلام‌گرا در تحولات بعد از این مصر، می‌تواند زمینه مناسبی برای آرمان اسلام‌خواهی مردم مصر باشد.

البته به علت سال‌ها رکود و سرکوبی جریان اسلام‌گرایی در مصر در پنجاه سال گذشته، قوای حرکتی مانند اخوان به تحلیل رفته است و دوباره باید تجدید شود. همچنین چهره‌هایی همانند یوسف قرضاوی که سال‌ها به عنوان اندیشمندان اسلام‌گرایی در جهان مطرح بوده‌اند، امروز در شرایط حساسی قرار دارند. پرهیز از مباحث فرقه‌گرایانه که همان خواست دشمنان است، می‌تواند آرمان مردم مصر را برآورده سازد.

در ضمن، استفاده از تجربیات بسیار ارزشمند جمهوری اسلامی ایران، که گاه با هزینه‌های بسیاری همراه بوده، میانبری است که اگر رهبران اسلامی مصر توجه کنند، دوران گذار را با سهولت طی خواهند

از آنچه گذشت می‌توان نتیجه گرفت، مصر کشوری دارای امتیازات زیاد، در منطقه‌ای بسیار حائز اهمیت قرار دارد، و در بین کشورهای عربی از جهت بافت جمعیتی، کشوری با جمعیت بالا، از مسلمانان و رهبران فکری متفاوت، نسبت به سایر کشورهای عربی می‌باشد، جنبش اخوان المسلمین، یکی از حرکت‌های تأثیرگذار، در مصر نقش مهمی، در بیداری اسلامی از بدو تأسیس تا کنون ایفا کرده است، آنچه در این ارتباط حائز اهمیت می‌باشد، رهبران فکری مصر باید با استفاده از تجربیات سایر کشورهایی که، در پیروز شدن، بر دشمن از جمله انقلاب اسلامی ایران موفق بوده‌اند، جنبش خود را بازسازی کرده، و از اشتباهات گذشته درس عبرت گرفته و دوست و دشمن خود را به خوبی بشناسد تا بهتر به حرکت خود ادامه دهند.

منابع

۱. اخوی، شاهرخ، *بازتاب انقلاب ایران بر مصر در انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن*، انتشارات مکتب وهبه، قاهره ۱۹۹۰.
۲. آقایی، بهمن و صفوی، خسرو، *اخوان المسلمین انتشارات رسام تهران*، ۱۳۶۵.
۳. آناتولی آرکادیویچ آگاریشیف *زندگی سیاسی ناصر ترجمه محمد جواهر کلام انتشارات ویس*، تهران ۱۳۶۸ش.
۴. اسپوزیتو، جان، ال، ترجمه: محسن مدیر شانه چی، *انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن*، مرکز

- بازشناسی اسلام و ایران، تهران ۱۳۸۲.
۵. بی آزار شیرازی، عبدالکریم، همبستگی مذاهب اسلامی، قصة التقرب دار التقرب بين المذاهب الاسلاميه، انتشارات امیر کبیر، تهران ۱۳۵۰.
۶. جمعی از نویسندگان، جستارهایی در انقلاب اسلامی ایران، انتشارات بوستان کتاب، قم ۱۳۸۸.
۷. تهوری، مسلم، محمدتقی قمی موسس دارالتقرب مصر ۹ جلدی منادیان تقرب انتشارات زاهدان ۱۳۸۲.
۸. حسن ابراهیم حسن تاریخ الاسلام السياسي والديني و الشقافي و الاجتماعي مكتبة النهضة المصرية الازهر مصر ۱۹۶۵.
۹. دکمجان، هوایر، جنبش‌های اسلامی در جهان عرب ترجمه حمید احمدی انتشارات مؤسسه کیهان، تهران ۱۳۶۶.
۱۰. سلیمان بیومی، زکریا، الخوان المسلمون انتشارات مکتب وهبه، قاهره ۱۹۷۹م.
۱۱. سید قطب، نشانه‌های راه، ترجمه محمود محمودی، انتشارات احسان، تهران ۱۳۷۸.
۱۲. ضناوی، محمدعلی، کبری الحركات الاسلاميه في العصر الحديث چاپ قاهره، بی تا.
۱۳. طبری، محمدبن جریر، تاریخ الامم و الملوك، ترجمه ابوالقاسم پاینده ج ۴ انتشارات اساطیر تهران ۱۳۶۲.
۱۴. عبدالرحیم الانبار، محمد، نحو الثورة الاسلاميه قاهره چاپ آبرین ۱۹۷۹م.
۱۵. علیزاده موسوی، سید مهدی، بیداری اسلامی، انتشارات نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت، قم ۱۳۹۰.
۱۶. علیزاده موسوی، سید مهدی، سلفی گری و وهابیت ج ۱ دفتر تبلیغات اسلامی قم چاپ چهارم ۱۳۹۰.
۱۷. عنایت، حمید، اندیشه سیاسی در اسلام معاصر، ترجمه بهاء الدین خرمشاهی انتشارات خوارزمی، تهران ۱۳۷۲.
۱۸. فلاح زاده، محمد هادی، جمهوری عربی مصر، انتشارات مؤسسه فرهنگی و مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر ایران، تهران ۱۳۸۳.
۱۹. یکن، فتحي، الموسوعة الحركيه، بی تا انتشارات البحوث و المشاريع الاسلاميه، بیروت ۱۳۹۹.

۲۰. لین پُل، استانلی، *تاریخ دولت‌های اسلامی و خاندان حکومتگر* ترجمه صادق سجادی انتشارات تاریخ ایران، تهران ۱۳۷۰.
۲۱. محمدی، منوچهر، *بازتاب جهانی انقلاب اسلامی*، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی قم ۱۳۸۵.
۲۲. *ماهنامه المسلمون* سال پنجم شماره اول چاپ دمشق ۱۹۵۶م.
۲۳. *نشریه الاعتصام*، قاهره، مصر فوریه ۱۹۷۹م، سال ۷۰ شماره ۴.
۲۴. *نشریه الدعوة*، اکتبر ۱۹۸۰، ذی الحجه ۱۴۰۰.

